افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مبـــــاد بدین بوم و بر زنده یک تن مــــباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com afgazad@gmail.com

Political	سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ می ۲۰۲۱

یک برخورد از دو موضع!!

یکشنبه- ۲۶ ثور ۱۴۰۰ - کابل: دهه ها قبل از امروز یعنی زمانی که کودکی بیش نبودیم، در زندگانی روز مره در خانه و خانواده و در بیرون از آن، گاهگاهی اتفاق می افتاد که در هنگام بازی های کودکانهٔ ما به یک باره مشکلی ایجاد شده بازی متوقف می شد. آنچه درآن توقف ها به فهم امروز ما قابل دقت بود، انعکاس برخورد های واحد در موضعگیری های متفاوت بود. یعنی در حالی که در مناسبات درون خانواده، عمدتاً یک و یا دو کودک با "قهر و ناز" و یا هم گریه و دادو فریاد، مانع ادامهٔ بازی می گردید، در خارج از خانه یعنی در کوچه یک بچهٔ همسایهٔ ما که خود را زور آور ، هتاک و بی تربیت و زور گوی احساس می نمود، جریان بازی را به هم زده، با برداشتن توپ و نگهداری آن نزد خودش مانع ادامهٔ بازی بقیهٔ بچه ها می گردید.

برای مدتها این برخورد ها به مثابهٔ "خاربغل" یا مانع بازی ما می گردید و یا هم مجبور بودیم به ساز آنها رقصیده، همان بازی را می کردیم که آن "خارهای بغل" می خواستند.

در یکی از روز ها که از این بابت سخت ناراحت و حتا عصبانی بودم، برای نخستین بار از مشکل با کاکایم که از ما بزرگتر بود صحبت نمودم. کاکایم که یا به تجربهٔ مستقیم و یا هم از روی کتاب، به چنین مواردی برخورده بود، با اندکی دل آسا مگر بسیار صریح و روشن گفت:

آن که در خانه با قهر و ناز می خواهد از شما باج بگیرد، نه به قهر و نازش توجه کنید و نه هم به گریه و داد و فریادش، بکوشید بدون او به بازی تان ادامه دهید، تا خودش وادار شود به جمع پیوسته، از باجگیری های کودکانه و زور گوئی با اسلحهٔ گریه دست بردارد.

و اما پسر بچهٔ زورگو در کوچه، قسمی که می گوئید او یک نفر است و شما ده نفر، باردیگر که توپ را برداشت و مانع بازی تان شد، به جای این که باج بدهید، توپ را به زور از نزدش بگیرید، حتا اگر کار به درگیری و لت و کوب کشید، جمعاً وی را چنان ادب کنید که بداند "دست خدا با جماعت است".

ما در آنزمان خوشبختانه با شنیدن و عملی نمودن مشوره های کاکای نازنینم، قادر شدیم هم بازی خراب کن های داخل خانه و هم از کوچه را به راه بیاوریم و برای مدتهای طولانی تا آنگاهی که دیگر همه از کودکی بیرون شدیم به چنان مشکلی برنخوردیم.

امروز وقتی به بازی "موش و پشک" ی که طالب به راه انداخته به زعم خودش می خواهد دولت دست نشانده را زیر فشار قرار دهد مگر در واقعیت امر فقط مردم عادی و زحمتکش کشور را به یک بازی مرگ و زندگی تهدید می نماید، هرزمان خودش خواست آتش بس می کند و هرزمان نخواست با انفجار، یک مکتب، یک مسجد و یا یک محله را به خاک و خون می کشد، نظر می اندازم همان وضعیت دوران کودکی ما، منتها با نتایج خونبار به مشاهده می رسد.

از آن جائی در این بازی مرگ و زندگی، قهر و ناز جائی ندارد و طالب فقط می خواهد زور بگوید و از طریق زور گوئی مجموع ملت را وادار سازد تا به ساز وی و دهاره های تربیت یافته در مدرسه های مذهبی از نوع حقانی پاکستان و ایران برقصند، معتقدم که یگانه راه قید می کنم "یگانه راه" رسیدن به صلح شرافتمندانه که متضمن تساوی حقوقی تمام شهروندان کشور باشد و در آن آزادی ها و حقوق دمکراتیک آحاد مردم افغانستان مراعات گردد و دیگر هیچ کسی بر کس دیگری زور نگوید و با زور گوئی بازی مرگ و زندگی را بر کسی تحمیل ندارد، دست به دست هم دادن و دهان طالب و حامیانش را خرد کردن است.

من اعتقاد راسخ دارم تا زمانی که طالب را به مانند همان پسرک زور گوی کوچه، چنان ادب نکنیم که از ترس از خانه بیرون نشود، این وضعیت، یعنی جنگ، ترور و انفجار ادامه خواهد یافت.

هموطنان گرامی!

این کاری نیست که دولت دست نشانده بخواهد انجام دهد زیرا آنها ادامهٔ حیات و ادامهٔ تأمین منافع شان را در وجود طالب و بازی هایش می بینند، از همین رو نباید چنین انتظاری را از آنها داشت، این کاریست که تاریخ انجام آن را بر دوش خود ما گذاشته است، ما باید دست به دست هم داده با ایجاد کمیته های دفاع از خود از سطح کوچه و محله گرفته تا تکامل آن به سطح شهر و کشور، طالب و طالبانیسم و در کل اسلام سیاسی و جیره خواران امپریالیسم جهانی را در وجود جواسیس تکنوکرات و بقیه عمال آنها، چنان درهم کوبیم که نام افغانستان برای آنها و باداران شان کابوسی گردد وحشتناک و ویرانگر روح و روان آنها.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!